



جیسون دمارس
خدمت حقیقت حاضر

می ۲۰۱۷

عیسی مسیح دیروز و امروز و تا ابدالآباد همان است.

عبرانیان ۸:۱۳

چند سال پیش، هر سه ماه یک بار نامه‌ای تعلیمی می‌نوشتیم، که به زبان فارسی و اردو ترجمه می‌شد. ما شهادت‌های بسیاری در مورد مقالاتی که نوشته شد، دریافت نمودیم. از آنجا که سؤالاتی در مورد بسیاری از موضوعات و مطالب وجود دارد و همچنین تمایل زیاد به یادگیری و رشد کردن وجود دارد، این مسولیت و انگیزه را حس نمودم که بار دیگر آن را آغاز نمایم. هدف و خواست ما ایستادن در تعلیم برادر برانهم و نشان دادن واضح آن تعلیم می‌باشد. این مسولیت و کاری است که من برای آن فراخوانده شده‌ام.

نسخه‌ی ماه می، دو موضوع مهم را پوشش می‌دهد:

۱. عیسی مسیح خداست
۲. برگزیدگی و از پیش تعیین شدگی

عیسی مسیح خداست

یکی از مهم‌ترین داکترین‌های عهد جدید، تعالیمی است که در مورد هویت عیسی مسیح صحبت می‌کند. او تنها یک نبی نبود، بلکه او خداست. این نخستین و مهم‌ترین داکترین است، اولوهیت افضل عیسی مسیح.

"^۵ و از عیسی مسیح که شاهد امین و نخست‌زاده‌ی از مردگان و رئیس پادشاهان جهان است. مر او را که ما را محبت می‌نماید و ما را از گناهان ما به خون خود شست. ^۶ و ما را نزد خدا و پدر خود، پادشاهان و کهنه ساخت؛ او را جلال و توانایی باد تا ابدالآباد. آمین. ^۷ اینک، با ابرها می‌آید؛ و هر چشمی او را خواهد دید، و آنانی که او را نیزه زدند، و تمامی امت‌های جهان برای وی خواهند نالید. بلی! آمین. ^۸ من هستم الف و یا، اوّل و آخر، می‌گوید آن خداوند خدا، که هست و بود و می‌آید، قادر عَلَی الإِطْلَاق." مکاشفه ۱: ۵-۸

آیه‌ی پنجم از هویت گوینده به ما می‌گوید، و عناوین آن به شرح زیر است:

- شاهد امین
- نخست‌زاده‌ی از مردگان
- رئیس پادشاهان جهان
- من هستم الف و یا
- اوّل و آخر
- خداوند خدا، که هست و بود و می‌آید
- قادر عَلَی الإِطْلَاق

قادر عَلَی الإِطْلَاق همیشه به اولوهیت افضل اشاره دارد. اینها همه عناوین یک و

همان خداوند عیسی مسیح می‌باشند و او را تبدیل به تنها شخص، در الوهیت می‌کند. سه شخص وجود ندارند که همگی خدا باشند و سه خدا ایجاد کنند. توجه داشته باشید که آیه‌ی شش به ما می‌گوید، عیسی مسیح، ما را نزد خدا و پدر خود، پادشاهان و کهنه ساخت. اگر هر ترجمه‌ی دیگری و خود متن یونانی را بررسی کنید، خواهید دید که می‌گوید، او ما را نزد خدا و پدر خود، پادشاهان و کهنه ساخت. او بعنوان پسر انسانی خدا، دارای خدا و پدر بود، درست مانند من و شما. اما او بیش از یک انسان بود، او خدا در حالت انسانی بود. او خدای تغییر ناپذیر و قادر است. خدا، روح نادیدنی یهوه که در جسم انسانی ظاهر شد.

این طور به آن فکر کنید. می‌خواهم از یک تصویر برای توضیح استفاده کنم. من به‌طور کاملاً از دنیای مجازی «کامپیوتر» مستقل هستم. من یک برنامه، بایت یا عدد و رقم نیستم. به منظور برقراری ارتباط با دنیای مجازی، من آواتاری را که نماینده‌ی من و عملکرد من است، ایجاد خواهم کرد. آن آواتار از لحاظ نیت و اهداف، خود من می‌باشد. آن آواتار، من هستم که وارد دنیای مجازی شده‌ام. در همان زمان، آن به هیچ‌وجه خود من نیست، چون من خارج و مستقل از دنیای مجازی هستم. با این حال آن آواتار کاملاً نشان دهنده‌ی من در دنیای مجازی است.¹

در مورد عیسی مسیح نیز چنین است. خدا بطور مستقل خارج از فضا-زمان وجود دارد. او برای اینکه خود را در فضا-زمان نشان دهد، مردی را خلق کرد که کاملاً و بدون نقص او را نمایش می‌دهد. آن مرد پسر خداست و بطور کامل تسلیم پدر قادر مطلق و قائم به ذات و آن مرد نمونه‌ی دقیق خداست. او خدای در فضا-زمان است.

¹ آواتار در کامپیوتر، حضوری است که یک شخص از خود به بقیه نشان می‌دهد. این حضور می‌تواند به صورت یک مدل سه بعدی (مثل بازی‌های کامپیوتری) یک تصویر دو بعدی (عکس / آپکون) یا یک شناسه (Username) باشد.

بیاید چند توضیح مهم از برادر برانهام را در این مورد بشنویم.

"آه، خدای من، چقدر دوست دارم در مورد الوهیت موعظه کنم، الوهیت افضل عیسی مسیح."^۲

"و در این تعلیم شگفت‌انگیز پولس رسول، در باب‌های قبل در پس‌زمینه، بطور خاص به موضوع الوهیت افضل خداوند عیسی و اینکه او که بود می‌پردازد. مسیح خدا بود، او چنین خلق شد تا مردم بتوانند این را احساس کرده و لمس کنند و، و با او مشارکت داشته باشند. مسیح، خداوند عیسی، بدنی بود که خدا در آن ساکن بود. خدا جسم گردید و در میان ما ساکن شد. اول تیموتائوس ۳:۱۶: "و بالاجماع سرّ دینداری عظیم است، که خدا در جسم ظاهر شد." خدای عظیم نازل و با زندگی کردن در بدن پسر خود قابل لمس شد. او سخن گفته و جهان را با خود مصالحه می‌داد. مسیح چیزی از خدا کم نداشت. و، و خدا چیزی از مسیح کم نداشت. این دو با هم، الوهیت در بدن انسانی را شکل دادند، او را که اندکی از فرشتگان کمتر شد، می‌بینیم؛ یعنی عیسی زحمت و درد را چشید. فرشتگان درد نمی‌کشند. عیسی خیمه‌ای بود که خدا در آن ساکن بود."^۳

"بزرگ‌ترین مکاشفه‌ها، مکاشفه‌ی خداوندیِ خداوند ما عیسی مسیح است. تا زمانی که به این ایمان نداشته باشید، نمی‌توانید به قدم اول برسید. این چیزی است که پطرس گفت: "توبه کنید، سپس خدا را ببینید، در نام عیسی مسیح برای آمرزش گناهان تعمیر گیرید، بعد آماده خواهید بود که در روح شوید." اولین چیزی که باید بدانید، خداوندی عیسی مسیح است."^۴

^۲ ۵۴-۱۰۰۶، شریعت یا فیض، برادر ویلیام ماریون برانهام
^۳ ۵۷-۰۹۱۵M، عبرانیان باب شش #۳، برادر ویلیام ماریون برانهام
^۴ ۶۰-۱۲۰۴E، رویای پطروس، برادر ویلیام ماریون برانهام

"نور در تاریکی تابیده است و خدا در حال اثبات خود است. این چیست؟ اینها حقایقی هستند که نشان می‌دهد، خدا و مسیح یک هستند. چنان‌که مکاشفه باب ۱ را می‌خواندیم، چند نفر کلاه‌گیس سفیدی را که بر سر او است، دیده‌اند؟ می‌بینید؟ الوهیت افضل، اقتدار افضل؛ هیچ صدای دیگری وجود ندارد، خدای دیگری وجود ندارد، هیچ چیز دیگری. در او از جهت جسم، تمامی پری الوهیت ساکن است."^۵

همان‌طور که برادر برانهام در بسیاری از موارد بیان کرد، یهوه عهد عتیق، عیسی عهد جدید است. بنابراین ما در پیغام به الوهیت افضل عیسی مسیح ایمان داریم و آن را تعلیم می‌دهیم. ما تعلیم می‌دهیم که خود خدا چهره‌ی خود را تغییر داد و به قالب عیسی مسیح درآمد. همچنین واضح است که برادر برانهام به ما گفت که عیسی پدر خود نبود^۶ و اینکه عیسی و خدا همانند یک انگشت، یکی نبودند.^۷ برادر برانهام به ما تعلیم داد که عیسی خدا و انسان است.

"من گفتم شما نمی‌توانید ببینید آن مرد که بود. او هم خدا و هم انسان بود. او بعنوان انسان گریه می‌کرد، او برای غم آنها گریه کرد. او زمانی که ایستاد و گفت: "ایلعاذر! بیرون بیا." و مردی که برای چهار روز مرده بود، بار دیگر بر روی پاهایش ایستاد، بیش از یک انسان بود."^۸

^۵ ۷۲۵E-۶۵، چه جاذبه‌ای در کوهستان وجود دارد؟، برادر ویلیام ماریون برانهام
^۶ در روزی که پنطیکاست شکل گرفت، آنها گروه جیزس‌اونلی را ایجاد کردند. حال، این هم اشتباه است. عیسی چگونه می‌تواند پدر خود باشد؟
۶۳-۰۳۲۴M، پرسش و پاسخ در مورد مَهرها، برادر ویلیام ماریون برانهام
^۷ و شما برادران یگانه‌انگار! بسیاری از شما زمانی‌که سعی می‌کنید فکر کنید خدا مانند یک انگشت واحد است، از مسیر درست خارج می‌شوید. او نمی‌تواند پدر خود باشد.
۵۹-۰۸۲۲، کرم، ملخ، آفت، هزارپا، برادر ویلیام ماریون برانهام
^۸ ۷۱۹E-۶۴، دور شدن از کمپ، برادر ویلیام ماریون برانهام

می‌خواهم به نکات متفاوت نقل قول بالا اشاره کنم تا واقعیت این حقیقت که او الوهیت افضل است، آشکار شود.

۱. مسیح خدا بود، چنین آفریده شده بود تا قابل لمس باشد و بتوان با او مشارکت داشت.

۲. عیسی بدنی بود که خدا در آن ساکن شد.

۳. خدای عظیم نازل شد و در جسم پسر خود زیست.

۴. خدا هیچ چیزی از مسیح کم نداشت و مسیح چیزی از خدا کم نداشت.

۵. این دو با هم، الوهیت در بدن انسانی را شکل دادند.

۶. عیسی هم خدا و هم انسان بود.

سپس باید نشان دهیم که ما درست مانند یگانه‌انگاران و تثلیثیون، خدا و انسان بودن عیسی را تعلیم می‌دهیم. لیکن ما با یک معنای متفاوت از یگانه‌انگاران و تثلیثیون تعلیم می‌دهیم که او خدا و انسان است.

تثلیثیون تعلیم می‌دهند که شخص دوم الوهیت در جسم انسانی تولد یافت. او از قصد، خود را محدود ساخت تا تماماً انسان شود و الوهیت او کاملاً تسلیم تمامیت انسانی‌اش شود. بنابراین، او باید توسط روح‌القدس مسح می‌شد تا قدرت خدمتش را دریافت کند؛ او بعنوان انسان برای دریافت هدایت کاملاً بر پدر وابسته بود.

از نظر تعلیم یگانه‌انگاران، پدری که همیشه تمامی فضا و زمان را بعنوان یک روح در بر می‌گیرد، نازل شد و بعنوان یک انسان تولد یافت و کاملاً ذات الهی‌اش را تسلیم ذات انسانی نمود. وجود خدا در خارج از بشریت متوقف نشد، بلکه ذات او بود که محدود شد و در واقع او خود خدا بود. پدر به آسانی عنوانش را تغییر داد و تبدیل به پسر شد.

تعلیم و نقطه نظر پیغام متمایز از هر کدام از این داکترین‌هاست. در واقع، درک موضوع در داکترین یگانه‌نگاری و داکترین تثلیثی متغیر است، بعنوان مثال به چگونگی برخورد طبیعت الهی با ماهیت انسانی، بسته به این است که آنها از چه سنت کلیسایی می‌آیند.

عیسی مسیح الوهیت افضل است. او هم خدا و هم انسان است. و اما او چطور خدا و چطور انسان است؟ توجه کنید که در این نقل قول برادر برانهام چگونه جزئیات را در موعظه‌ی عبرانیان روشن می‌سازد؛ او می‌گوید: "عیسی جسمی بود که خدا در آن ساکن شد... این دو با هم الوهیت در بدن انسانی را شکل دادند." کدام دو؟ خدا و عیسی. پدر روح است و پسر بدن است. بنابراین الوهیت روح و پدر است و بدن، عیسی یا پسر است. برادر برانهام می‌گوید: "یوحنا ۴ می‌گوید، خدا روح است. و او باید یک انسان روحانی خلق می‌کرد و حال او آن را نازل کرده است؛ در آنجا خدا بودن او دیده نمی‌شود. خدا بودن امری ماوراءالطبیعه است."^۹ بنابراین عیسی در الوهیت قرار ندارد، اما الوهیت در بدن او بود. "آن مرد (آن بدن) خدا نبود، بلکه خدا در او بود."^{۱۰} واژه‌ی «خدا بودن» مشابه الوهیت است. الوهیت و خدا بودن که در عیسی مسیح آشکار شد. او الوهیت یا خدا نیست،^{۱۱} بلکه خدا یا الوهیت در او ساکن است.

^۹ (A۰۷۲۹-۵۱)، زنده شدن ایلعادر، برادر ویلیام ماریون برانهام
^{۱۰} ۶۳-۱۲۲۲، عطایای خدا همیشه جای خود را می‌یابند، برادر ویلیام ماریون برانهام

^{۱۱} این دو نقل و قول از برادر برانهام به ما نشان می‌دهد که چه زمانی الوهیت، خدا برای ساکن شدن در خداوند عیسی نازل شد. "حال تماشا کنید، زمانی که عیسی می‌آید، ببینید او برای اثبات اینکه مسیح، همان مسیح مسح شده است چه کاری انجام داد. یک روز پس از اینکه او دریافت می‌کند... پدر نازل شد و در او ساکن شد، او به شکل یک کبوتر از آسمان نازل شد و گفت: "این است پسر محبوب من که از سکونت در او خشنودم." ۱۸۰ به همین دلیل است که او می‌گوید: "من و پدر یک هستیم. پدر من در من ساکن است. من نیستم که این کارها را انجام می‌دهم؛ بلکه پدری که در من

سوال بعدی که باید پاسخ دهیم، این است: "آیا آن جسم تنها یک بدن بود و حرکت دهنده‌ی آن خدای قادر بود، یا در واقع آن بدن کاملاً انسان بود و بطور کامل دارای اراده خاص خود بود؟" بیایید بررسی کنیم که برادر برانهام چه می‌گوید...

"روح‌القدس خود خالق است، خدای پدر در قالب روح بر انسانی به نام عیسی که همانا پسر او بود، قرار گرفت. به این دلیل است که از او بعنوان روح‌القدس سخن می‌گویند. او بدنی آفرید به نام عیسی، به همین دلیل بود که مرگ در او راه یافت."^{۱۲}

"او برای اینکه پسرش را به زمین بفرستد، باکره‌ای را انتخاب کرد که مردی را نشناخته بود. زمانی که روح‌القدس بر او سایه افکند، هیچ اسپرمی ترشح نکرده بود. چون خدا از راه بی‌نقص و کامل خودش در او، روح، جسم و جان عیسی مسیح را آفرید. او پسر خدا بود که از باکره متولد شد."^{۱۳}

هنگامی که ما کل واقعیت انسانی و الوهیت عیسی مسیح را بررسی می‌کنیم، تصویر هرچه بیشتر روشن تر می‌شود. گفتن «الوهیت افضل عیسی مسیح» یک چیز ساده و پوچ نیست که قلب و سپس ذهنمان را نسبت به هر آنچه برادر برانهام گفته است،

ساکن است." ۱۸۱ یوحنا شاهد بود، او روح خدا را مانند یک کبوتر دید که نازل می‌شود. صدایی از آن بر می‌خیزد که: "این است پسر حبیب من که از وی خشنودم." می‌بینید، و او در عیسی ساکن شد.

۶۵-۰۴۲۷، آیا خدا تصمیمش را عوض می‌کند؟، برادر ویلیام ماریون برانهام "روح خدا همانند یک کبوتر نازل شد و صدایی از آسمان (که از بالا بود) گفت: "این است پسر حبیب من که از وی خشنودم." (حقیقتاً، ترجمه صحیح...) آنها فعل را پیش از قید آورده‌اند، درست مانند همه خارجی‌ها... این است پسر حبیب من که از سکونت در وی خشنودم." یا "یا کسی که از سکونت در او خشنودم." این خدا بود که داخل عیسی می‌شد، و در او پُری الوهیت قرار داشت."

۶۱-۰۱۲۰، تعمیم آب، برادر ویلیام ماریون برانهام
۱۲ ۶۰-۱۲۰۶، عصر کلیسای اسمیرنا، برادر ویلیام ماریون برانهام
۱۳ ۶۲-۰۱۲۱۸، ذریت تو دروازه‌های دشمنان خود را متصرف خواهند شد، برادر ویلیام ماریون برانهام

بیندیم. بعنوان ایمانداران، آنچه را که با قلب درک می‌کنیم، باید به تک‌تک کلمات
آمین بگویید، نه فقط به آنهایی که دوست داریم، انتخاب می‌کنیم و برمی‌گزینیم.

این امر بسیار واضح است که برادر برانهام به ما تعلیم داد عیسی مسیح خداست، نه
یک شخص دوم یا سوم، بلکه تنها شخص.

در نقل قول اول می‌خوانیم که خدا جسمی را که عیسی (پسرش) خوانده می‌شد،
آفرید. این امر می‌تواند ما را به سمت این فکر سوق دهد که عیسی تنها یک مسکن
برای روح خدا بود، اما نبی به صحبتش ادامه می‌دهد و به ما می‌گوید که خدا در یک
باکره، جسم، جان و روح عیسی مسیح را آفرید و او پسر خدا بود که از یک باکره
متولد شده بود.

"عیسی بطور کامل زندگی‌اش را به خدا تسلیم کرده بود. او خودش را بعنوان
خادم مردم وقف کرده بود." ^{۱۴}

"ای پدر! اگر بخواهی این پیاله را از من بگردان، لیکن نه به خواهش من بلکه به
اراده‌ی تو." لوقا ۲۲:۴۲

"من از خود هیچ نمی‌توانم کرد، بلکه چنانکه شنیده‌ام داوری می‌کنم و داوری من
عادل است، زیرا که اراده‌ی خود را طالب نیستم، بلکه اراده‌ی پدری که مرا فرستاده
است." یوحنا ۵:۳۰

"زیرا از آسمان نزول کردم نه تا به اراده‌ی خود عمل کنم، بلکه به اراده‌ی
فرستنده‌ی خود." یوحنا ۶:۳۸

^{۱۴} ۶۰۰۰۹۲۵، آن روز در جلجتا، برادر ویلیام ماریون برانهام

"حال مسیح اینجاست؛ ما فقط باید خود را تسلیم او کنیم و او کار پدرش را از طریق ما به انجام خواهد رساند. حال، زمانی که او اینجا بود، مدعی نبود که می‌تواند مردم را شفا دهد. او گفت، من شفا نمی‌دهم. من تنها... بلکه پدری که در من ساکن است، او این اعمال را می‌کند. من کاری را انجام نمی‌دهم، مگر اینکه او از پیش به من نشان داده باشد. نخست، پدر به من نشان می‌دهد چه کنم، سپس رفته آن را انجام می‌دهم. چند نفر می‌دانند که او این را گفت؟ انجیل یوحنا ی رسول ۱۹:۵. او این کار را کرد، نخست رویایی می‌بینم، سپس پدر آن را انجام می‌دهد." ۱۵

مسیح بعنوان یک انسان خاص، دارای اراده بود؛ اما تصمیم گرفت که اراده‌اش را به اراده‌ی پدر تسلیم کند. او بعنوان یک انسان از روح انسانی، جسم انسانی و جان انسانی ساخته شده بود.

"روح، او را در باغ جتسیمانی ترک کرد. او باید بعنوان یک انسان می‌مرد. دوستان! به یاد داشته باشید که او مجبور به انجام این کار نبود. این خدا بود. خدا آن جسم را مسح کرد، آن جسم انسانی را. اگر او بعنوان خدا مصلوب می‌شد، هرگز آنچنان نمی‌مرد؛ خدا را نمی‌توان کشت." ۱۶

"زیرا خدا واحد است و در میان خدا و انسان یک متوسطی است، یعنی انسانی که مسیح عیسی باشد." اول تیموتائوس ۵:۲

ما بر اساس این آیات و نقل قول‌ها می‌بینیم که خداوند عیسی به روشنی یک انسان بود، یک انسان تمام و متولد شده از یک باکره، که باید اراده‌اش را تسلیم پدر می‌کرد.

^{۱۵} ۵۶-۰۴۰۷، بارتیمائوس کور، برادر ویلیام ماریون برانهام
^{۱۶} ۶۵-۰۴۱۸AM، این طلوع خورشید است، برادر ویلیام ماریون برانهام

همان‌طور که برادر برانهام گفت: "او باید بعنوان یک انسان می‌مرد... خدا را نمی‌توان کشت." و با این حال این را می‌دانیم...

"حال، عیسی از خون یک یهودی یا اُمت‌ها نبود، او از خون آفریننده و از خود یهوه بود. او از خون خدا بود. کتاب مقدس می‌گوید، همه‌ی ما توسط خون خدا نجات یافته‌ایم. نه خون یک یهودی یا غیریهودی، همه‌ی اینها به جنسیت ربط دارد، اما آن خون خدا بود."^{۱۷}

این حقیقت محض است! ما از خون خدا نجات یافته‌ایم. شما نمی‌توانید خدا را بکشید و عیسی بعنوان انسان مرد. حال چگونه می‌توانیم این افکار را با هم تطبیق دهیم؟ زندگی مسیح از کجا ریشه گرفت؟ از مریم نبود، بلکه مستقیماً از سوی خدا بود. خدا پدر او بود. من از خون جیم دِمارس هستم، چون او پدر من است. بنابراین عیسی هم نمی‌تواند چیزی جز از خون خدا باشد؛ او درون خود دارای دی. ان. ای. خداست. حیات خدا جاری شد و او از یک باکره متولد شد. ما آن انسان متولد شده را پسر خدا می‌خوانیم.

الوهیت افضل عیسی مسیح، به ما نشان می‌دهد که او دارای دی. ان. ای. خداست و خدا با پُری خود در او ساکن است. این ما را به سمت این حقیقت هدایت می‌کند که او "صورت خدای نادیده است."^{۱۸} و "خدا را هرگز کسی ندیده است؛ پسر یگانه‌ای که در آغوش پدر است، همان او را ظاهر کرد."^{۱۹} پیشتر گفتیم که عیسی شخص دوم یا سوم نبود، بلکه تنها شخص خدا بود. بیایید بررسی کنیم برادر برانهام در این مورد چه می‌گوید.

^{۱۷} ۱۲۱۲-۶۴، زمان برداشت محصول، برادر ویلیام ماریون برانهام

^{۱۸} کولسیان ۱:۱۵

^{۱۹} انجیل یوحنا ۱:۱۸

"این راز که عیسی مسیح که بود؛ نه یک شخص سوم، نه شخص دوم، نه شخص سوم، بلکه شخص خدا. مابقی اسرار خدا آشکار خواهد شد، چون در این کتاب نوشته شده است که به نسل زمان آخر مکشوف خواهد شد."^{۲۰}

"حال، آیا عیسی می‌دانست که او کیست... او مخلوق از پیش تعیین شده‌ی زمان بود. این را باور دارید؟ [جماعت می‌گویند: "آمین!"] جسم عیسی می‌دانست که کلمه‌ی از پیش تعیین شده است، شخص خدا که باید آن روز در آنجا می‌ایستاد، برای گناهان قربانی می‌شد و دشمنش را می‌شناخت."^{۲۱}

"عیسی. خدا را هرگز کسی ندیده است؛ پسر یگانه‌ای که در آغوش پدر است، همان او را ظاهر کرد. می‌بینید؟ به عبارت دیگر، خدا شناخته شد. شخص خدا در جسم خداوند عیسی مسیح شناخته شد، بنابراین او صورت دیده شده‌ی خدا بود. یا خدا که از طریق صورت این انسان، خود را آشکار می‌سازد. خدا خود را به ما آشکار کرد و او خدا بود. نه یک شخص سوم یا دوم؛ او شخص خدا بود. او خود خدا بود و خود را آشکار ساخت تا ما بتوانیم او را لمس کنیم.

اول تیموتائوس ۱۶:۳ می‌گوید: "و بالاجماع سرّ دینداری عظیم است که خدا در جسم ظاهر شد." آیا این فوق‌العاده نیست؟ خدا! ما هرگز نمی‌توانستیم زمانی که خدا در ستون آتش حرکت می‌کرد او را درک کنیم. اما زمانی که او تبدیل به یکی از ما شد، او را درک می‌کنیم. می‌بینید؟ زمانی که او انسان شد."^{۲۲}

"بله، آنها منظور او را درست درک نکردند، آنها نمی‌دانستند او کیست. مسئله‌ی

^{۲۰} E ۷۳۰-۰۶۱، هدف از ملاقات شش باره جبرئیل با دانیال، برادر ویلیام ماریون برانهام

^{۲۱} ۶۲-۰۴۰۱، حکمت در مقابل ایمان، برادر ویلیام ماریون برانهام

^{۲۲} ۶۴-۰۱۱۲، شالوم، برادر ویلیام ماریون برانهام

امروز نیز همین است، مردم سعی دارند او را تبدیل به کسی کنند که نیست. او تنها یک انسان نیست، او خدایی است که در یک انسان است. نه شخص سوم، او تنها شخص است. بله آقا! خوب، مطمئناً آنها او را اشتباه درک کردند." ^{۲۳}

"بسیار خوب، اگر تصویر را این طوری بچرخانید و نگاه کنید، احتمالاً می‌توانید آن را در میان حضار ببینید. او مسیح است. چشم‌های او را ببینید که اینجا را نگاه می‌کند، کامل‌تر از این نمی‌شود؛ او کلاه گیس سفید الوهیت افضل و داوری تمام آسمان‌ها و زمین را بر سر دارد. آیا می‌توانید چشم‌ها، بینی، دهان او را ببینید؟ [جماعت می‌گویند: "آمین!"] حال عکس را از این حالت به حالتی که آنها در دست داشتند، بچرخانید؛ این شکلی، به آن نحوی که باید باشد. می‌توانید ببینید؟ ["آمین!"] او داور عظیم است. کس دیگری جز او وجود ندارد. و این یک تعیین هویت بی‌نقص است، اثباتی بر این امر که پیغام، حقیقت و راستین است. این حقیقت است. این حقیقت دارد. نباید او را شخص سوم ساخت، او تنها شخص است." ^{۲۴}

"عیسی همان خدا، همان یهوه خدا، نه یک شخص دوم یا سوم، او همان شخصی است که همیشه خود را آشکار ساخته است." ^{۲۵}

"او گفت: آمین آمین به شما می‌گویم که پیش از آنکه ابراهیم پیدا شود، من هستم." من بودم که با موسی از طریق ستون آتش، در بوته‌ی سوزنده ملاقات کردم. بله آقا! او خدای جسم پوشیده بود. نه شخص سوم؛ همان شخص در یک مقام و منصب

^{۲۳} ۶۱-۰۷۲۳E، خدای سوءتعبیر شده، برادر ویلیام ماریون برانهام
^{۲۴} ۶۵-۰۴۱۸M، این طلوع خورشید است، برادر ویلیام ماریون برانهام
^{۲۵} ۵۳-۰۷۲۹، پرسش و پاسخ در مورد پیدایش، برادر ویلیام ماریون برانهام

دیگر بود. نه سه خدا؛ سه منصب و نقش خدا. دقیقاً." ۲۶

"خدا از جهت جسم، با تمامی پری الوهیت در شخص عیسی مسیح ساکن بود. او خدا بود، یک خدا. نه یک شخص سوم یا دوم، یا اول، بلکه یک شخص بود، خدایی که در جسم انسانی سکونت گرفته بود." ۲۷

در کنار اینکه او به ما می‌گوید عیسی شخص خدا، یا تنها شخص الوهیت است، بیاید به توصیفی که او ارائه کرده است توجه کنیم.

۱. شخص خدا
۲. مخلوق از پیش تعیین شده‌ی زمان، کلمه‌ی از پیش تعیین شده‌ای که باید بعنوان شخص خدا بایستد.
۳. شخص خدا که در صورت دیدنی خداوندان عیسی مسیح، بعنوان تنها شخص آشکار می‌شود.
۴. خدا انسان شد.
۵. عیسی خدا در جسم یک انسان است، نه یک شخص دوم یا سوم.
۶. عکس ابر شیهه کلاه گیس، نشان می‌دهد که او الوهیت افضل و داور عظیم است؛ نه شخص دوم، بلکه تنها شخص.
۷. عیسی همان یهوه خداست، همان شخص در تمام طول زمان.
۸. همان شخص در یک منصب دیگر، من هستم که از ستون آتش به جسم تبدیل شد.
۹. از جهت جسم، تمامی پری الوهیت در او ساکن است.

^{۲۶} ۱۰۱۴E-۶۳، یک راهنما، برادر ویلیام ماریون برانهام
^{۲۷} ۰۶۱۴M-۶۴، آشکار ساختن خدا، برادر ویلیام ماریون برانهام

هنگامی که ما نگاه می‌کنیم و همه چیز را در نظر می‌گیریم، می‌بینیم که عیسی مسیح دارای اراده‌ای بود که آن را تسلیم پدرش کرد.^{۲۸} همچنین می‌بینیم همان پدری که در او ساکن بود، در جسم پسر خود شناخته شد، او خود خدا بود که جسم شد. تنها شخص خدا به ما نشان می‌دهد که عیسی مسیح صورت دیدنی خداست. هر بار که این عبارات را می‌خوانیم: «از جهت جسم تمامی پری الوهیت»، «خدا در جسم آشکار شد»، «خدا خود را با جسم انسانی پوشاند»، «خدا انسان شد» و غیره، ما خدا را می‌بینیم، روح نادیدنی‌ای که تمام فضا و زمان را پوشانده و جسم پوشیده است. «بدن» پسر خدا، عیسی مسیح است. جسم، بدن، آن انسان، عیسی مسیح پسر خداست. برادر برانهام الوهیت افضل عیسی مسیح را تعلیم داد، ولیکن او این موضوع را همانند تثلیثیون یا یگانه‌انگاران تعلیم نداد. او شیوه‌ی خاصی برای تعلیم دادن براساس کتاب مقدس داشت. عیسی مسیح، نامی بالاتر از تمام نام‌ها است؛ نام پدر و پسر و روح القدس، خداوند عیسی مسیح است. پدر، نام خود را به پسر داد و روح خود را نیز با نام او می‌فرستد؛ همه‌ی اینها در نام عیسی مسیح! او تنها صورت دیدنی خدای نادیدنی است. این یعنی که او تنها شخص الوهیت است.

برگزیدگی و از پیش تعیین شدگی

این موضوع اغلب در دنیای فرقه‌ای اشتباه سوء تعبیر می‌شود. متأسفانه ایمانداران پیغام بسیاری وجود دارند که حقیقت کامل را از دست می‌دهند. آنها می‌شنوند که برادر برانهام می‌گوید برگزیدگی براساس پیش‌دانی خداست و در نتیجه به نظر

^{۲۸} "ای پدر! اگر بخواهی این پیاله را از من بگردان، لیکن نه به خواهش من بلکه به اراده‌ی تو." انجیل لوقا ۲۲:۴۲

آرمینیوس می‌رسند که خدا صرفاً انتخاب‌های شخصی ما را از پیش می‌داند. این امر حاکمیت خدا و عمق ذات سقوط کرده‌ی ما را تحریف می‌کند. کتاب مقدس به روشنی به ما نشان می‌دهد که ما از یک ذات فاسد هستیم که گناه را دوست دارد و در آن شادی می‌کند. این بخش طولانی است، اما از شما می‌خواهم که تمام آن را بخوانید و سپس نکات برجسته‌ای را بیرون خواهیم کشید تا در مورد این مطالعه اعمال کنیم.

۹ "پس چه گوئیم؟ آیا برتری داریم؟ نه به هیچ وجه! زیرا پیش ادعا وارد آوردیم که یهود و یونانیان هر دو به گناه گرفتارند. ۱۰ چنان که مکتوب است که کسی عادل نیست، یکی هم نی. ۱۱ کسی فهیم نیست، کسی طالب خدا نیست. ۱۲ همه گمراه و جمعاً باطل گردیده‌اند. نیکوکاری نیست یکی هم نی. ۱۳ گلوی ایشان گور گشاده است و به زبان‌های خود فریب می‌دهند. زهر مار در زیر لب ایشان است، ۱۴ و دهان ایشان پر از لعنت و تلخی است. ۱۵ پای‌های ایشان برای خون ریختن شتابان است. ۱۶ هلاکت و پریشانی در طریق‌های ایشان است، ۱۷ و طریق سلامتی را ندانسته‌اند. ۱۸ خدا ترسی در چشمانشان نیست. ۱۹ الآن آگاه هستیم که آنچه شریعت می‌گوید، به اهل شریعت خطاب می‌کند تا هر دهانی بسته شود و تمام عالم زیر قصاص خدا آیند. ۲۰ از آنجا که به اعمال شریعت هیچ بشری در حضور او عادل شمرده نخواهد شد، چونکه از شریعت دانستن گناه است." رومیان ۳:۹-۲۰

می‌بینیم که پولس رسول تعلیم می‌دهد که: "کسی عادل نیست... کسی فهیم نیست، کسی طالب خدا نیست." عادل بودن به معنای حاضر شدن در حضور خدا در شرایطی است که او شما را بدون قصور اعلام کند. کتاب مقدس به وضوح تعلیم می‌دهد که همه‌ی ما به خاطر گناهانمان در حضور خدا گناهکار می‌باشیم؛ هم گناهان موروثی از طرف آدم و هم گناهان شخصی.

سپس ما می‌خوانیم که کسی طالب خدا نیست. این مهم است، چون عدم توانایی ما را نشان می‌دهد که ما در حالت طبیعی خود از بدو تولد طالب خدا نمی‌باشیم. ما "زیر گناه فروخته شده‌ایم."^{۲۹} و ناتوان از جستن او هستیم. این امر بطور خاص با اراده‌ی ما سر و کار دارد و به روشنی نشان می‌دهد که اراده‌ی آزاد ما باعث نمی‌شود که در واقع طالب خدا باشیم و او را برگزینیم. توجه داشته باشید که پولس رسول در رومیان ۱۶:۹ چه گفت: "لاجرم نه از خواهش کننده و نه از شتابنده است، بلکه از خدای رحم کننده."

نجات ما از انتخاب یا اراده‌ی شخصی ما نیست، بلکه از خداست که رحم کننده است. بر اساس اعمال یا اراده‌ی ما نیست. در آیه ۱۱ همین باب، پولس رسول در مورد یعقوب و عیسی می‌نویسد: "زیرا هنگامی که هنوز تولد نیافته بودند و عملی نیک یا بد نکرده، تا اراده‌ی خدا برحسب اختیار ثابت شود نه از اعمال، بلکه از دعوت کننده." پولس نشان می‌دهد که بالاترین هدف آزادی اراده‌ی انسان نیست، بلکه اراده‌ی خدا برحسب اختیار ثابت شود. بیاید کمی جلوتر برویم و بگوییم که اراده‌ی انسان توسط خدا دفع می‌شود. بر اساس ذات سقوط کرده، خود ما طالب نیکویی و خدا نیستیم. ما از خدا نمی‌ترسیم، بلکه از او بیزار و متنفریم. ما بر حسب ذات از خدا فراری هستیم. عیسی مسیح می‌گوید: "کسی نمی‌تواند نزد من آید، مگر آنکه پدری که مرا فرستاد او را جذب کند..."^{۳۰}

خدوند ما عیسی مسیح بحث خود را با این عبارات شروع می‌کند: "کسی نمی‌تواند نزد من آید" یا پولس گفت: "لاجرم نه از خواهش کننده" سپس خداوند

^{۲۹} اشاره به رومیان ۱۴:۷
^{۳۰} انجیل یوحنا ۶:۲۴

استثنایی برای این قاعده به ما می‌دهد و آن این است، مگر آنکه پدر او را جذب کند. به این معنی که، خدا او را جذب کرده و بر او آشکار می‌سازد که عیسی مسیح کیست. می‌خواهم بر معنی کلمه‌ی «جذب کردن» در زبان یونانی تأکید کنم. کلمه‌ی یونانی آن «helkuo» است و به معنای «کشیدن» است. این شرایط انسانی ما است، در معصیت سرشته شدیم و نطفه‌ی ما در گناه شکل گرفت. جسم سقوط کرده‌ی ما باعث می‌شود صورت خود را از مسیح بپوشانیم، همان‌طور که در اشعیا ۵۳:۳ می‌گوید.

این نشان می‌دهد که ما مسیح را بعنوان موجود منفوری در نظر گرفتیم، و زمانی که به او نگاه کردیم، صورت خود را با انزجار برگرداندیم. اما کسانی که توسط خدا برگزیده شده‌اند، به معنای واقعی کلمه، توسط فیض او به سوی مسیح کشیده می‌شوند.

یکی از چندین اعتراضی که به این حقیقت وارد می‌آورند، از یوحنا ۱۶:۳ است.

"زیرا خدا جهان را این‌قدر محبت نمود که پسر یگانه‌ی خود را داد، تا هر که بر او ایمان آورد، هلاک نگردد، بلکه حیات جاودانی یابد." یوحنا ۱۶:۳

بسیار خوب، خدا جهان را محبت نمود و پسر یگانه‌ی خود را برای نجات داد و هر که به او ایمان آورد، حیات جاودانی یابد. بدین‌گونه مدافعین اراده‌ی آزاد خواهند گفت که نجات به تمام دنیا ارائه شده است. اما سوال اینجاست، چه کسی ایمان می‌آورد؟ آیا تمام دنیا ایمان می‌آورد؟ می‌دانیم که پاسخ این سوال «خیر» است. بنابراین توجه کنید که ما در کتاب اعمال رسولان می‌خوانیم.

"چون امت‌ها این را شنیدند، شاد خاطر شده، کلام خداوند را تمجید نمودند و آنانی که برای حیات جاودانی مقرر بودند، ایمان آوردند." اعمال رسولان ۴۸:۱۳

بنابراین «هر که ایمان آورد»، کسانی هستند که «برای حیات جاودانی مقرر بودند». آیا این به این معنی است که ما اراده‌ی آزاد را نادیده گرفته و انکار می‌کنیم؟ نه، اما می‌توانیم به وضوح ببینیم که اراده‌ی آزاد ما، ما را نجات نمی‌دهد، بلکه فیض خداست که در ما ایمان ایجاد می‌کند تا خون عیسی مسیح را بپذیریم. برادر برانهام به ما می‌گوید: "شما دارای اراده‌ی آزاد هستید. شما می‌توانید آن‌طور که می‌خواهید عمل کنید."

ما به وضوح دارای آزادی اراده هستیم، لیکن آن اساس نجات ما نیست. مکاشفه ۱۷:۲۲ به ما می‌گوید: "هر که می‌شنود، بیاید!" و یوحنا ۵:۴۰ به ما می‌گوید: "و نمی‌خواهید نزد من آید تا حیات یابید." هر دو آنها نشان می‌دهند که ما انتخاب کرده و تصمیم می‌گیریم که مسیح را بپذیریم یا رد کنیم. ما از پیش اساس آن را پایه گذاردیم. ما در اراده‌ی خود مسیح را رد خواهیم کرد، اما بر اساس فیض خدا، ما به مسیح جذب می‌شویم. همچنین می‌خواهم بر این نکته به جهت مصالحه‌ی اراده‌ی آزاد و حاکمیت خدا تأکید کنم.

در خداوند گذشته‌ای مانند انسان وجود ندارد که به آن محدود باشد. همه چیز در خدا در زمان حال است. گذشته هرگز گذشته نیست و آینده همیشه حاضر است. لاتغیر بودن نقشه‌ی مطلق خدا در تضاد با اراده‌ی آزاد ما و توانایی خدا در پاسخ دادن به دعاها می‌باشد. اگر از زاویه‌ی دیگری به آن نگاه کنیم، انتخاب‌های شخصی ما بر ما تحمیل نشده‌اند، ما آنچه را که می‌خواهیم، انتخاب می‌کنیم. اگرچه خدا می‌تواند انتخاب‌های ما را بدون تحمیل کردن آنها بر ما مقدر سازد، او با طبیعت درونی ما سر و کار دارد که بر اساس ژنتیک، تجارب زندگی و خانواده‌ای که در آن متولد شده‌ایم، دریافت می‌کنیم و آنها انتخاب‌های شخصی ما را تحت تاثیر قرار می‌دهند. همه‌ی این کارها توسط خدا برای سمت دادن به موقعیت‌مان مقرر شده است. بیایید نگاهی دقیق‌تر به برگزیدگی بر اساس کتاب مقدس داشته باشیم.

"و می‌دانیم که به‌جهت آنانی که خدا را دوست می‌دارند و به‌حسب اراده‌ی او خوانده شده‌اند، همه چیزها برای خیریت [ایشان] با هم در کار می‌باشند." رومیان ۲۸:۸

در این آیه به نظر می‌رسد که خدا می‌گوید، همه چیز برای خیریت ما در کار است. اما می‌خواهم به شما نشان دهم آن‌طور که ما فکر می‌کنیم، او همین‌طور ساده نمی‌گوید که همه چیز برای خیریت ما در کار است. ما فکر می‌کنیم که «خیریت» به معنای داشتن زندگی بهتر، لذت بردن از زندگی دنیایی، روبرو نشدن با شرایط بد و غیره است. این تمام آن چیزی نیست که پولس رسول به ما گفت. توجه کنید که در آیه‌ی ۳۵ باب ۸ کتاب رومیان به ما وعده داده می‌شود که مصیبت، دلتنگی، جفا، قحطی، عریانی و خطر یا شمشیر نمی‌تواند ما را از محبت مسیح جدا سازد. البته واضح است که اینها چیزهای خوبی نیستند. خدا وعده نداد که ما را در جفایا و مصیبت نیاورد، بلکه او وعده می‌دهد که «همه‌ی این چیزها» مانند جفا، قحطی، عریانی، تباهی، خطر شمشیر و غیره برای خیریت ما در کار خواهند بود. بنابراین این خیریت چیست که خدا تمام اینها را برایش انجام می‌دهد؟ خدا وعده می‌دهد که این کار را برای خیریت روح و ابدیت ما انجام دهد. پولس در دوم قرنتیان ۱۷:۴ می‌نویسد: "زیرا که این زحمتِ سبکِ ما که برای لحظه‌ای است، بار جاودانی جلال را برای ما زیاده و زیاده پیدا می‌کند." من ایمان دارم که این وعده‌ای واضح از سوی خداست که در «همه چیز» او برای خیریت روحانی در این زندگی و حیات جاودانی در زندگی پس از مرگ کار می‌کند.

آنهایی که وعده را دریافت می‌کنند، کسانی هستند که خدا را دوست دارند و این حقیقت که آنها خدا را دوست دارند، نشان می‌دهد که آنها بر اساس هدف او خوانده شده‌اند.

کسانی که خدا بر اساس برنامه‌ی ابدی‌اش آنها را فراخوانده است، هرگونه مصیبت و آزمایش را در خیریت روحانی و ابدی‌شان خواهند داشت.

"زیرا آنانی را که از قبل شناخت، ایشان را نیز پیش معین فرمود، تا به صورت پسرش متشکل شوند تا او نخست‌زاده از برادران بسیار باشد." رومیان ۲۹:۸

تنها به دلیل پیش‌آگاهی خدا از وقایع آینده نیست که او می‌تواند پیش‌بینی کند و دقیقاً بگوید چه اتفاقی در آینده رخ خواهد داد. بلکه این دانش، ویژه‌ی افرادی است که او از طریق عیسی مسیح برای حیات ابدی برگزیده است. خدا صرفاً انتخاب‌های ما را نمی‌داند.

"که ما نیز در وی میراث او شده‌ایم، چنانکه از پیش معین گشتیم برحسب قصد او که همه‌ی چیزها را موافق رأی اراده‌ی خود می‌کند." افسسیان ۱۱:۱

در رومیان ۲۹:۸، ما توسط پیش‌آگاهی خدا از پیش معین شده‌ایم. این نمی‌تواند صرفاً پیش‌بینی انتخاب‌های ما باشد، بلکه خداست که ما را به زندگی ابدی هدایت کرده و بر اساس نقشه‌اش کار می‌کند. همان‌طور که کتاب مقدس می‌گوید، او "همه‌ی چیزها را موافق رأی اراده‌ی خود می‌کند." پس به انتخاب شخصی ما نیست، بلکه بر اساس انتخاب شخصی خداوند است. عیسی گفت که: "شما من را انتخاب نکردید، بلکه من شما را برگزیدم." این یعنی خدا سرنوشت ما را از قبل تعیین کرده است. سرنوشت ما باید به شباهت صورت پسر او درآید. پیش از بنیاد عالم او ما را برگزید و ما را مقرر کرد تا به شباهت پسر او درآییم. این صرفاً در مورد بدست آوردن بدن جلال یافته، سخن نمی‌گوید؛ بلکه هدف خدا برای ما در این زندگی، این است که برگزیده‌ی او همانند عیسی عمل کرده و سخن گوید.

"و آنانی را که از قبل معین فرمود، ایشان را هم خواند و آنانی را که خواند ایشان را نیز عادل گردانید و آنانی را که عادل گردانید، ایشان را نیز جلال داد." رومیان ۸: ۳۰

این را که کلام خدا در این آیات با زمان گذشته صحبت می کند، دوست دارم. در تمام این مدت اینها در ذهن خدا تکمیل شده و تمام شده بود، به این کلمات توجه کنید، «خواند»، «عادل گردانید»، «جلال داد». خواندگی ما شیوه‌ای است که خدا ما را به مسیح جذب می کند. عادل گرداندن، از خدایی صحبت می کند که ما را از طریق مسیح عادل می‌شمرد و جلال دادن، دریافت بدن تازه‌ی غیرفانی، در زمان ربودگی است. در نظر خدا این کارها انجام شده هستند. برای به پایان رساندن این مقاله، چندی از نقل قول‌های برادر برانهام را در مورد این موضوعات خاطر نشان می‌کنم.

"نخست، ما به خودمان که گناهکار و لایق محکوم شدن هستیم، اشاره می‌کنیم. همه‌ی ما در گناه متولد شده‌ایم و نطفه‌مان در معصیت شکل گرفته؛ هیچ بخش پاکی در وجود ما نیست. ذهن ما بد است؛ جان ما فاسد است؛ افکار دائمی ما شر است، هر تصور خیالی ذهن انسان شر است، یک گناهکار. همچنین بدن ما ضعیف است؛ روح ما نیکو نیست و ما پر از فساد هستیم. و چگونه یک چیز فاسد می‌تواند چیز نیکویی از یک فاسد دیگر درآورد؟ بگذارید این را بگوییم، در ایوب باب ۱۴ او گفت: ^۱ "انسان که از زن زاییده می‌شود، قلیل‌الایام و پر از زحمات است. ^۲ مثل گل می‌روید و بریده می‌شود." همان‌طور که نبی ادامه می‌دهد، او می‌گوید: "چیز طاهر را از چیز نجس بیرون آورد؟ هیچ کس نیست." بعنوان مثال شما یک سطل را داخل چاه آب پرت می‌کنید، آب راکد است؛ وقتی داخل آن را نگاه می‌کنید، پر از گل و لای و کرم کوچکی هم در آن آب است. هیچ راهی وجود ندارد که سطل را برگردانده و یک سطل آب تمیز تهیه کرد. تمام آب چاه آلوده است. تمام روح، جسم و جان انسان آلوده به گناه شده و در گناه متولد شده، از لحاظ فیزیکی، نطفه آن در گناه شکل

گرفته است. او به دنیا می‌آید و دروغ می‌گوید. این چنین جان او نیز آلوده می‌شود. هیچ چیز خوبی وجود ندارد. کسی نمی‌تواند شخص دیگری را آزاد سازد؛ چون همه چیز نادرست است. و شما نمی‌توانید از جایی که آلوده است، یک سطل پر از آب بردارید و آن را با آن سطل دیگر آلوده مخلوط کنید؛ این طوری شما آلودگی بیشتری خواهید داشت. هیچ تصفیه‌ای برای آن وجود ندارد.^{۳۱}

"او احتمالاً یک کشاورز بود، در سرزمین شینار زندگی می‌کرد، و زندگی عادی داشت. او احتمالاً روز بیرون رفته و غذایش را از میان بوته‌ها تهیه می‌کرد، توت می‌چید و این‌گونه زندگی می‌کرد. یک آدم معمولی، هیچ چیز خاصی در مورد او وجود نداشت. اما یک روز، خدا او را فراخواند. زمانی که خدا ندا در داد، این تفاوت را ایجاد کرد. و در هر زندگی این چنین است. خدا مورد نیازد است. به اینکه شما چه می‌کنید ربطی ندارد؛ بلکه بستگی به کاری دارد که خدا انجام می‌دهد. می‌بینید؟ شما می‌گویید: "من خدا را طلبیدم، من خدا را طلبیدم." شما در اشتباه هستید. هیچ انسانی طالب خدا نیست. متوجه می‌شوید؟ شما نیستید که طالب خدا هستید؛ این خداست که طالب شماست.

عیسی گفت: "شما مرا برنگزیدید، بلکه من شما را برگزیدم." می‌بینید؟ بنابراین شما یا پیش از بنیاد عالم برگزیده شده‌اید، یا اصلاً برگزیده نشده‌اید. او فقط می‌آید تا آن اسم را آزاد سازد. و تمامی آنهایی که اسمشان در دفتر حیات بره نیست... پیش از بنیاد عالم، تنها آنها خواهند بود. می‌بینید؟ شما پیش از بنیاد عالم، در او برگزیده شده‌اید. زمانی که بره برگزیده شد، شما نیز همراه او برگزیده شدید، پیش از بنیاد عالم. همان‌طور که شب گذشته گفتم، شما نمادی از فکر خدا هستید. ببینید، این تنها راهی است که می‌توانید ابدی باشید و تنها شکل حیات ابدی همین می‌باشد. تنها یک

^{۳۱} ۱۲۳۱M-۶۱، باید تولد تازه یابید، برادر ویلیام ماریون برانهام

شکل حیات ابدی وجود دارد و آن خداست. همین و بس، او تنها کسی است که ابدی است.^{۳۲}

"او به همین دلیل آمد، تا گناهان آنانی را که پدرش پیش از بنیاد عالم به او داده بود، پاک کند. آمین! زمانی که این حقیقت را می‌دانم، احساس دینداری می‌کنم. "لاجرم نه از خواهش کننده و نه از شتابنده است، بلکه از خدای رحم کننده. " آمین! به این بستگی ندارد که شما در گذشته چه اندازه اعمالی را انجام داده‌اید، یا انجام نداده‌اید. هیچ انسانی طالب خدا نیست؛ خدا طالب شماست." ^{۳۳}

"همان‌طور که رومیان باب ۸ در مورد «کوزه‌گر» به ما می‌گوید: "چه کسی می‌تواند به کوزه‌گر بگوید؟ آیا گل می‌تواند بگوید مرا چنین بساز؟" می‌بینید؟ نه. خدا باید تمام خصوصیاتش را آشکار سازد. و این چنین او باید یک طرف را ذلیل بسازد و دیگری را عزیز کند تا نشان دهد. حال، او حاکم مطلق است، هیچ کس نمی‌تواند به او بگوید که چه کند." ^{۳۴}

"و به یاد داشته باشید که شما، چشمانتان، بدنتان، هرآنچه که هستید، در ابتدا در افکار او بودید. و تنها چیزی که شما هستید، تجلی کلمه است. بعد از اینکه به آن فکر کرد، آن را گفت و حال شما وجود دارید. اگر چنین نیست، اگر شما در افکار او نبودید، اصلاً هیچ راهی برای بودن شما در آنجا وجود ندارد. زیرا او کسی است که حیات ابدی را می‌دهد.

^{۳۲} ۶۴-۰۴۰۲، پوهو پرا، برادر ویلیام ماریون برانهام
^{۳۳} ۶۴-۰۳۱۲، زمانی که چشمان آنها باز شد، آنها او را شناختند، برادر ویلیام ماریون برانهام
^{۳۴} ۶۴-۱۲۱۲، زمان برداشت محصول، برادر ویلیام ماریون برانهام

کلامی که خواندیم را به یاد دارید؟ "نه از خواهش کننده و نه از شتاب دهنده، بلکه از خداوند..." و آن پیش برگزیدگی او که می تواند متحمل حقیقت باشد، او می تواند برگزیند، پیش از زمان. خدا در انتخاب خویش عالی و کامل است. این را می دانستید؟ چه کسی آنجا بود که روش بهتری را برای خلقت به او بگوید؟ چه کسی چنین جسارتی را دارد که به او بگوید، کار خود را غلط انجام می دهد؟ حتی خود، حتی خود همان کلام خیلی عالی است. حتی در مکاشفه هم ممتاز است، برآنکس که بخواد آشکار می کند، همان مکاشفه، خود، در خدا عالی است. این گونه است که مردم بدون اینکه بدانند چه می کنند... خدا در کار خویش عالی است." ^{۳۵}

"حال، روح القدس می آید. البته او فرستاده نشد تا... چرا همه آن را دریافت نمی کنند؟ برای آنها فرستاده نشد.

شخصی به من گفت: "من ایمان ندارم. برایم مهم نیست که تو چه می گویی. اگر بتوانی مرده را زنده کنی، یا هر کار دیگری، بیماران را شفا دهی و آن را ثابت کنی، به هر حال؛ هنوز آن را باور نمی کردم."

من گفتم: "مطمئناً همین طور است. تو یک بی ایمان هستی. منظور بدی ندارم. این حتی برای تو فرستاده نشده است، بلکه برای آنانی فرستاده شده است که ایمان می آورند." پیغام برای ایماندار است. زیرا پیغام برای آنان که در طریق هلاکت گام برمی دارند، جهالت است، اما برای آنانی که در مسیح هستند و بخشی از آن ذریت هستند، حیات است." ^{۳۶}

"اگر چیزی از سوی خدا می آید، باید بر اساس کلام خدا باشد، چون برای اثبات

^{۳۵} ۶۵-۰۲۲۱E، این ملکبصدق کیست؟، برادر ویلیام ماریون برانهام
^{۳۶} ۶۵-۰۲۱۸M، این طلوع خورشید است، برادر ویلیام ماریون برانهام

حضور خداست. و او همه چیز را از پیش می‌داند، او توسط پیش‌آگاهی خود، هر عصری را در زمان خود، انسانی را در مکان خود و هر نبی را در جای خود از پیش مقرر کرد (در کتاب مقدس به آن «از پیش تعیین شدن» می‌گویند.) او خداست، شیطان نمی‌تواند در مقابل او قد علم کند. او خداست و وقوع یافتن همه چیز را مقرر کرده. این دقیقاً مطابق با کلامش است.^{۳۷}

"این در پادشاهی خدا به همراه حیات ابدی و از پیش تعیین شدگانی است که هرگز شروعی نداشتند. چیزی که هرگز در یک روز آغاز نشد. شما در هیچ روزی نجات نیافتید. شما همیشه در نجات بودید. آمین! عیسی فقط می‌آید تا ما را رها سازد؛ اما شما در نجات بودید، از ابتدا، چون شما از ابتدا حیات ابدی داشتید. یک ماهی قزل آلا هرگز نمی‌تواند یک نيزه‌ماهی یا یک قورباغه باشد. ممکن است با آنها در یک آب باشد، اما او از ابتدا یک ماهی قزل آلا بوده. تور فقط او را صید کرده. می‌بینید، او از ابتدا همین بود. چیزی هست که..."^{۳۸}

"حال، از «از پیش تعیین شدگی» واژه‌ی مهمی است و همه می‌دانیم که این حقیقت است. ما کاملاً می‌دانیم که خدای بیکران، همه چیز را توسط پیش‌دانی خود، پیش از بنیاد عالم از پیش تعیین کرد، حتی ذبح بره؛ و هر اسمی که در آن دفتر خواهد بود، پیش از آنکه کتاب نوشته شود، اسامی بر روی آن مرقوم شده بود. حال چند نفر می‌دانند که این حقیقت دارد؟ [جماعت می‌گویند: "آمین!"]

و عیسی برای نجات آنانی که اسمشان در آن دفتر نوشته شده بود، آمد. در کتاب مقدس، بره از پشت پرده آمده، دفتر را گرفت و مهرهایی را که به آن مختوم بود،

^{۳۷} ۱۲۰۶-۶۵، رویدادهای امروزی توسط نبوت آشکار می‌شوند، برادر ویلیام ماریون

برانهام
^{۳۸} ۰۸۰۲-۶۴، خانه آینده عروس آسمانی و عروس زمینی، برادر ویلیام ماریون برانهام

باز کرد، چون او برای مطالبه‌ی کسانی که آنها را نجات داده، آمده است. حالا او شفیع است، شفיעی که شفاعت کسانی را می‌کند که او نجات داده است. تمام آنانی که اسمشان بر روی دفتر حیات بره نوشته شده است، نجات یافته‌اند.^{۳۹}

"خواست او هلاک شدن شما نبود. اما او که بی‌کران است، باید از ابتدا، پایان را می‌دانست، یا در غیر این صورت او خدا نیست. بنابراین عیسی هرگز بر روی زمین نیامد که بگوید: "خوب، خواهم دید که آیا شخصی دلش خواهد سوخت... اگر نقش بازی کرده و به طریقی سخت بمیرم، آنها احتمالاً فکر خواهند کرد. خوب، من... این امر باعث می‌شود قلب آنها ترغیب شود و آنها..." خدا کارهایش را این چنین انجام نمی‌دهد.

عیسی برای یک هدف مشخص آمد و آن نجات دادن اشخاصی است که خدا پیش از بنیاد عالم می‌دانست که آنها نجات خواهند یافت. او چنین گفت. درست است. بنابراین شما... پولس گفت: "لاجرم نه از خواهش کننده و نه از شتابنده است، بلکه از خدای رحم کننده." همان شخص در اینجا.^{۴۰}

^{۳۹} ۶۵-۰۴۲۶، اثبات کلام او، برادر ویلیام ماریون برانهام
^{۴۰} ۵۷-۰۸۲۱، عبرانیان باب یک، برادر ویلیام ماریون برانهام

با تشکر از عضویت شما در «خدمت حقیقت حاضر»، که در حال انجام خدمات
بشارتی در خاورمیانه می‌باشد. هدف ما موعظه‌ی پیغام زمان آخر، در هر مکانی است
که خداوند ما را فرامی‌خواند. دعاها و حمایت شما، ما را قادر به انجام این امر خواهد
ساخت. شما می‌توانید به سایت peygham.net رفته و خدمات در حال پیشرفت ما را
حمایت کنید، یا به این آدرس برای ما نامه بنویسید:

Present Truth Ministries

P. O. Box: ۳۴

Hopkins, MN ۵۵۳۴۳